



دانشگاه لرستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد M.A.

در رشته نهج البلاغه (گرایش اصول دین و معارف علوی)

سبک‌شناسی خطبه اشباح نهج البلاغه

استاد راهنما:

دکتر علی نظری

استاد مشاور:

دکتر کبری خسروی

نگارنده:

زهرا ابراهیمی

بهمن‌ماه ۱۳۹۲

تقدیم بہ:

فرمانروای سپاہ سخن

امیریان

مولایم ابا الحسنین

علی بن ابی طالب (علیہ آلف التحیہ والثناء)

سپاس‌گزاری:

حمد و ستایش خداوندی راست که توفیق آشنایی با کامل‌ترین دینش را بر ما ارزانی داشت و بهترین بنده‌اش محمد (ص) را به سوی ما فرستاد تا بندگانش را از غرق شدن در وادی دنیا نجات داده و به سوی دنیای جاودانه رهنمون شود.

و سپس تشکر ویژه از پدر و مادر بهتر از جانم که در راه رسیدن به علم همواره مرا یاری کرده و مرا مدیون صبر و تلاش بی‌وقفه‌ی خود نموده‌اند.

و سپاس و قدردانی از زحمات بی‌شائبه و بی‌توقع همسر عزیزم که رنج دوری را تحمل نمود و بهترین پشتیبان و یاور من در تمام مراحل تحصیلم بود.

و سپاس و قدردانی از جناب آقای دکتر علی نظری و سرکار خانم دکتر کبری خسروی که راهنمایی و مشاوره‌ی این پایان‌نامه را برعهده گرفته و در جمع‌آوری این مجموعه بنده را یاری فرمودند.

و تشکر و قدردانی از جناب آقای دکتر مرادیان که زحمت داوری این پروژه را بر عهده گرفتند.

و بر خود لازم می‌دانم تا از زحمات بی‌دریغ، بی‌توقع و دلسوزانه‌ی سرکار خانم افتخار لطفی تشکر کرده و آرزوی اجر اخروی برای ایشان را داشته باشم.

و در آخر از همه‌ی عزیزانی که بنده را در جمع‌آوری این مجموعه یاری کردند سپاس‌گزاری می‌نمایم.

چکیده:

سبک‌شناسی، یکی از موضوعات ادبی است که در سده اخیر، ادبا و سخنوران توجه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. سبک ادبی روش یا شیوه خاصی از بیان افکار است که نویسنده یا گوینده با استفاده از انتخاب کلمات و الفاظ و تعابیر خاصی به انتقال اندیشه‌های خود در مورد واقعیت‌ها می‌پردازد. مطلب او از یک روح یا ویژگی خاص برخوردار است که سخن او را از دیگران متمایز می‌نماید. از آن جا که سخنان امام علی (ع) از درجه‌ی بالای فصاحت و بلاغت برخوردار است، لذا شایسته است که مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گیرد. امیرالمؤمنین (ع) با استفاده از فنون بلاغی مفاهیم اخلاقی، عبادی و اجتماعی مورد نظر خویش را در قالب بهترین الفاظ و به صورتی هنرمندانه بیان کرده است. از میان خطبه‌ها و نامه‌ها، خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه موسوم به خطبه الأشباح است که امام علی (ع) در آن به بیان موضوعات مختلفی همچون آفرینش آسمان‌ها، آفرینش فرشتگان، علم خداوند و... می‌پردازد. در این پژوهش، با بررسی سبک-شناختی این خطبه، از چهار دیدگاه آوایی، نحوی، دلالی و فکری، به بیان زیبایی‌ها و ارزش‌ها و سبک این خطبه به روش تحلیلی - توصیفی می‌پردازیم.

کلمات کلیدی: نهج‌البلاغه، خطبه‌ی أشباح، سبک‌شناسی

فهرست

عنوان	چکیده
أ	مقدمه.....
ت	۱-۱- بیان مساله.....
ت	۲-۱- سؤال اصلی.....
ث	۳-۱- فرضیه اصلی.....
ث	۴-۱- پیشینه تحقیق.....
ج	۵-۱- ضرورت و اهداف تحقیق.....
ح	۶-۱- روش تحقیق.....
۱	فصل اول: کلیات.....
۲	۱-۱- سبک.....
۴	۲-۱- سبک‌شناسی.....
۶	۳-۱- روش سخنوری امام علی(ع).....
۷	۴-۱- امام علی (علیه‌السلام) بزرگ‌ترین خطیب تاریخ.....
۸	۵-۱- ویژگی‌های خطبه‌های امیر المومنین(ع).....
۱۰	۶-۱- ویژگی‌های سبک خطابه.....
۱۲	۷-۱- نکاتی چند درباره خطبه اشباح.....
۱۴	۸-۱- سند خطبه اشباح.....
۱۷	فصل دوم: سطح آوایی.....
۱۸	۲- سطح آوایی.....
۱۹	۱-۲- موسیقی بیرونی.....
۱۹	۲-۱-۱- سجع.....

۲۱۱-۱-۱-۲-۱ انواع سجع از لحاظ روی و وزن
۲۶۲-۲-۲ موسیقی درونی
۲۷۱-۲-۲-۱ جناس
۳۲۲-۲-۲-۲ تکرار
۳۲۱-۲-۲-۲-۱ تکرار واژگان
۳۷۲-۲-۲-۲-۲ تکرار حروف
۳۸۱-۲-۲-۲-۲-۱ حروف لمسی
۴۲۲-۲-۲-۲-۲-۲ حروف بصری
۴۲الف: حروف مصوت
۴۴ب: صامت
۴۵۳-۲-۲-۲-۲-۲ حروف سمعی
۴۶۴-۲-۲-۲-۲-۲ حروف ذلقی
۴۷۵-۲-۲-۲-۲-۲ حروف شعوری
۴۷الف: حروف حلقی
۴۹ب: حروف غیر حلقی
۵۱فصل سوم: سطح نحوی
۵۲۳- سطح نحوی
۵۳۱-۳- حذف
۵۴۱-۱-۳- حذف علل حذف
۵۴۱-۱-۱-۳- حذف مبتدا
۵۶۲-۱-۱-۳- حذف نواسخ و اسم آن‌ها
۵۶۳-۱-۱-۳- حذف ذوالحال
۵۷۴-۱-۱-۳- حذف موصول
۵۸۲-۳- تکرار اسم فاعل
۵۸۱-۲-۳- اسم فاعل مُنَوَّن
۵۹۲-۲-۳- اسم فاعل مضاف

۶۰ ۳-۳- ضمائز
۶۳ ۴-۳- استفاده از جمله فعلیه
۶۴ ۵-۳- استفاده از حروف نفی در توصیف فرشتگان
۶۷ فصل چهارم: سطح دلالی
۶۸ ۴- سطح دلالی
۶۹ ۴-۱- تشبیه
۷۴ ۴-۲- استعاره
۱۰۸ ۴-۳- کنایه
۱۱۴ ۴-۴- مجاز
۱۱۸ ۴-۵- تناسب و تضاد
۱۱۸ ۴-۵-۱- تناسب
۱۲۰ ۴-۵-۲- تضاد
۱۲۱ ۴-۶- لف و نشر
۱۲۲ ۴-۷- التفات
۱۲۸ فصل پنجم: سطح فکری
۱۲۹ ۵- سطح فکری
۱۳۰ ۵-۱- خطبه در یک نگاه
۱۳۲ ۵-۲- آغاز با حمد و ثنای الهی
۱۳۴ ۵-۳- صفات خداوند در قرآن
۱۴۰ ۵-۴- اراده الهی در تدبیر جهان هستی
۱۴۱ ۵-۵- آفرینش آسمانها
۱۴۴ ۵-۶- شگفتی آفرینش فرشتگان
۱۴۴ ۵-۶-۱- مأموریت‌های فرشتگان
۱۴۵ ۵-۶-۲- ویژگی‌های فرشتگان
۱۴۶ ۵-۶-۳- اقسام فرشتگان
۱۴۸ ۵-۶-۴- صفات والای فرشتگان

۱۴۹	۷-۵- چگونگی آفرینش زمین.....
۱۵۰	۷-۵-۱- شگفتی آماده سازی زمین برای زندگی انسان.....
۱۵۱	۷-۵-۲- زیبایی های زمین.....
۱۵۲	۷-۵-۸- آفرینش حضرت آدم(ع) و بعثت پیامبران.....
۱۵۲	۷-۵-۸-۱- آفرینش امکانات زندگی.....
۱۵۴	۷-۵-۹- علم بی پایان خداوند.....
۱۵۶	۷-۵-۹-۱- وسعت علم خداوند.....
۱۵۷	۷-۵-۱۰- نیایش امیرالمؤمنین(ع).....
۱۵۹	نتیجه گیری.....
۱۶۱	منابع.....

مقدمه:

نهج البلاغه کتابی است که به خاطر وجود صناعت‌های لفظی و معنوی و بیان مفاهیم به صورت فصیح و بلیغ از دیگر کتب متمایز گشته است. استفاده از تشبیه، استعاره، سجع، مجاز و... آن چنان مخاطب را شیفته و مجذوب می‌کند که پا به پای کلام امام (ع) می‌آید تا بهره‌ای از آن دریای بیکران نصیب او گردد.

سبک‌شناسی امروزه از جمله علمی است که مورد توجه دانشمندان فن بلاغت قرار گرفته است و از روش‌هایی است که برای بررسی و تحلیل متون از آن استفاده می‌شود. هدف سبک‌شناس آن است که ارتباط بین الفاظ و معانی مورد استفاده نویسنده یا گوینده و انواع صنایع ادبی را که به‌کاربرده است دریابد و انسجام بین آن‌ها را تشخیص دهد. امام علی (ع) به گونه‌ای هنرمندانه نسبت دادن صنایع بهره می‌گیرد تا خیالات و احساسات شنوندگان را برانگیزد.

در رابطه با سبک‌شناسی، روش‌شناسی و بررسی اسلوب‌ها و مفهوم‌شناسی و تحلیل خطبه‌اشباح تا کنون مطلبی ارائه نشده است؛ اما در خطبه‌های دیگر همچون قاصعه، الغراء، شقشقیه، متقین، خطبه ۱، ۱۶۵؛ هم به عنوان روش‌شناختی و هم تحلیلی یا فقط شرح و ترجمه کار شده است. به عنوان مثال: بررسی زبان‌شناختی خطبه قاصعه نهج البلاغه، بررسی ادبی نهج البلاغه در خطبه ۸۳ (الغراء) و...

امام علی (ع) در خطبه‌اشباح از سطوح مختلف یک ساختار ادبی از قبیل عناصر موسیقایی، نحوه چینش و گزینش واژگان و تصویرگری‌های ادبی و هنری، جهت انتقال معانی و مفاهیم بهره جسته است و میان سطوح و عبارات هماهنگی و انسجام عمیقی وجود دارد.

در این نوشتار بر آن شدیم تا خطبه‌اشباح نهج البلاغه را در چهار سطح آوایی، نحوی، دلالی (ترکیبی) و فکری با رویکرد سبک‌شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

در فصل اول به کلیات می‌پردازیم و بیان مسئله و سؤال و فرضیه اصلی، پیشینه، ضرورت و روش تحقیق از نظر می‌گذرد.

در فصل دوم تعریف سبک و سبک‌شناسی، ویژگی‌های خطبه‌ها و سبک امام (ع) و به طور کلی ویژگی‌های سبک خطابه از نظر می‌گذرد. سپس به ذکر نکاتی در مورد خطبه اشباح، علت نام‌گذاری آن و مطالب و مفاهیم موجود در خطبه پرداخته‌شده و در آخر سندیت خطبه در کتاب‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل سوم، سطح آوایی خطبه؛ یعنی جنبه موسیقایی آن را شرح می‌دهیم. موسیقی بیرونی و از انواع آن سجع و موسیقی درونی و از انواع آن جناس و تکرار را بررسی می‌نماییم.

در چهارمین فصل که سطح نحوی هست، عناصر بارز نحوی که توسط امام (ع) در این خطبه مورد استفاده قرار گرفته را بررسی کرده و حذف، تکرار اسم فاعل، ضمائر، استفاده از جمله فعلیه و استفاده از حروف نفی در توصیف فرشتگان را مورد بحث قرار می‌دهیم.

در فصل پنجم یعنی سطح دلالی، عناصر تصویرپردازی و زیبایی‌شناختی امام (ع) در خطبه را بیان می‌کنیم. عناصری همچون تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، تناسب و تضاد، لف و نشر و التفات که امام (ع) با استفاده از این عناصر، زیبایی خاصی به کلام خویش بخشیده است.

و در آخرین فصل به سطح فکری خطبه اشاره می‌شود و اینکه امیر بیان چه تفکر و مفهومی را با استفاده از تمامی فنون ادبی و نحوی به مخاطب القا می‌کند.

من الله التوفیق

زهرا ابراهیمی

بهمن‌ماه ۱۳۹۲

۱-۱- بیان مسأله:

خطبه ۹۱ نهج البلاغه موسوم به أشباح است، چون به اصناف ملائکه و مخلوقات گوناگون اشاره می‌کند. این خطبه به عنوان یک متن ادبی دربردارنده محورهای ادبی، زبانی و فکری هست. یکی از ابزارهای تحلیل یک متن ادبی نگرش سبک‌شناسانه به آن متن بر اساس محورهای ذکر شده است. در این رساله سعی بر آن است تا خطبه أشباح را بر اساس دانش سبک‌شناسی به شیوه تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار دهیم. در این خطبه از ابزار موسیقی و جناس و سجع برای تزئین کلام و رعایت انسجام بین عبارات و از ابزار ادبی همچون استعاره، تشبیه، مجاز و کنایه و ترادف و... برای ملموس تر شدن مفاهیم، تقریب به ذهن مطالب، دادن فرصت تفکر بیشتر به مخاطب با تکرار یک معنا با الفاظ مختلف، تاکید بر مطلب و همچنین پرهیز از تکرار استفاده شده است. آنچه از نظر فکری و محتوایی در این خطبه مورد نظر امام بوده؛ مسائلی است همچون: خداشناسی، صفات خداوند، چگونگی آفرینش آسمان‌ها، ویژگی‌های فرشتگان، اقسام و صفات آن‌ها، چگونگی آفرینش زمین و زیبایی‌های آن، زندگی حضرت آدم (ع) و اعزام پیامبران (ع)، آفرینش امکانات زندگی و مناجات با حق تعالی. امام (ع) در این خطبه پیچیده‌ترین مفاهیم مانند آفرینش آسمان‌ها و خلقت و انواع فرشتگان را در قالب زیباترین الفاظ و با بهترین تصویرگری برای نزدیک شدن آن مفهوم به ذهن، با روش بیانی که مختص خود ایشان است بیان می‌کنند.

۱-۲- سؤال اصلی:

ویژگی‌های بارز سبک‌شناسی در خطبه أشباح کدام‌اند؟

۱-۳- فرضیه اصلی:

امام علی (ع) در خطبه اشباح از سطوح مختلف یک ساختار ادبی از قبیل عناصر موسیقایی، نحوه چینش و گزینش واژگان و تصویرگری‌های ادبی و هنری، جهت انتقال معانی و مفاهیم بهره جسته است و میان سطوح و عبارات هماهنگی و انسجام عمیقی وجود دارد.

۱-۴- پیشینه تحقیق:

در رابطه با سبک‌شناسی، روش‌شناسی و بررسی اسلوب‌ها و مفهوم‌شناسی و تحلیل خطبه اشباح تا کنون مطلبی ارائه نشده است؛ اما در خطبه‌های دیگر همچون قاصعه، الغراء، شقشقیه، متقین، خطبه ۱، ۱۶۵؛ هم به عنوان روش‌شناختی و هم تحلیلی یا فقط شرح و ترجمه کار شده است. به عنوان مثال:

- بررسی زبان‌شناختی خطبه قاصعه نهج‌البلاغه (سید رحمت‌الله ابراهیم‌زاده با راهنمایی حسن یوسفی، ۱۳۸۹، مازندران، این پایان‌نامه ارزش‌های ادبی و بلاغی خطبه‌ی قاصعه از بعد زبان‌شناختی از طریق بررسی‌های لغوی واژگان، ساختار صرفی و نحوی، اسلوب‌های معنایی، از محتوای تأمل‌برانگیز خطبه‌ی قاصعه نهج‌البلاغه پرداخته است).
- بررسی ادبی نهج‌البلاغه در خطبه ۸۳ (الغراء): (ظاهره سیدی با راهنمایی حسن یوسفی، ۱۳۹۰، مازندران، این پایان‌نامه صرفاً بررسی ادبی و بلاغی خطبه الغراء است).
- بررسی و تحلیل خطبه قاصعه و پیوند آن با زمینه‌های سیاسی اجتماعی کوفه (۱۳۷۵، تربیت مدرس، این پایان‌نامه در سه فصل مطرح‌شده که فصل اول مقدمه، فصل دوم کوفه‌شناسی و فصل سوم شرح خطبه قاصعه است).
- جلوه‌های مجاز در نهج‌البلاغه: (جمال ایزدی، با راهنمایی محمد خاقانی، ۱۳۷۳، اصفهان، در این نوشتار مقدمتا بحثی درباره مجاز از نظر بلاغت بررسی‌شده و سپس به بررسی مجاز در نهج‌البلاغه می‌پردازد و تفاوت این کار با نوشتار حاضر این است که مجاز جزئی از جلوه ادبی و بلاغی می‌باشد).

- بررسی تشبیه و استعاره در خطبه‌های نهج‌البلاغه (سیاوش حق جو با راهنمایی جلیل تجلیل، ۱۳۷۹، تهران، استعاره و تشبیه از ارکان علم بیان و از زیرمجموعه‌های سبک‌شناسی است).
- جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در نهج‌البلاغه (مریم حاجی قاضی استرآبادی با راهنمایی سید محمدمهدی جعفری، ۱۳۸۸، دانشگاه علوم حدیث، در این نوشتار با استفاده از علوم معانی و بیان و بدیع که تصویر آفرینی یکی از جلوه‌های آن به شمار می‌رود و دو رکن اساسی آن یعنی: الف: تخییل حسی و ب: تجسم هنری به بررسی نهج‌البلاغه پرداخته است که کار ایشان یکی از زیرمجموعه‌های سبک‌شناسی می‌باشد).
- مبتدا، خبر، جمله و شبه جمله «اسلوب‌های نحوی کلام در نهج‌البلاغه» (فاطمه قاسم پیوندی با راهنمایی سید علی میر لوحی، ۱۳۸۷، اصفهان، اسلوب‌های نحوی از زیرمجموعه‌های سبک‌شناسی یعنی که قسمت سطح نحوی، می‌باشد).
- کتابی با عنوان: تحلیل ارکان استعاره‌های پیچیده نهج‌البلاغه و درآمدی بر آراء ادبای شرق و غرب پیرامون استعاره، محمد ادیبی مهر گورکانی، دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۸۶. (استعاره از ارکان علم بیان و از زیرمجموعه‌های سبک‌شناسی است).

۱-۵- ضرورت و اهداف تحقیق:

نهج‌البلاغه به عنوان اولین کتاب گران‌سنگ بعد از قرآن کریم است که در حد اعلاى بلاغت و فصاحت و ایجاز و شیوایی و رسایی کلام می‌باشد. از آنجایی که بحث مستقلی در باب سبک‌شناسی خطبه‌اشباح صورت نگرفته است ضرورت دارد که گوشه‌هایی از زیبایی‌های هنری و ادبی این اثر ارزشمند مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۶- روش تحقیق:

روش کار در این نوشته، بر پایه‌ی تحقیق به روش کتابخانه‌ای و بر مبنای تحلیل است. در فصل اول کلیاتی مطرح شده که به بیان سبک و سبک‌شناسی و ویژگی‌های خطبه‌های نهج‌البلاغه و بررسی سند خطبه اشباح می‌پردازیم. سپس در فصول بعدی تحلیل خطبه در چهار سطح آوایی، نحوی، دلالتی و فکری به طور مبسوط مورد بحث قرار خواهد گرفت.

این نوشته به صورت توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای و بر اساس فیش‌برداری گردآوری شده است که پس از جمع‌آوری اطلاعات به تبیین مطالب پرداخته‌ایم.

فصل اول

کلیات

۱-۱- سبک

در زبان عربی سبک یعنی اسلوب و اکثر لغت شناسان عرب اسلوب را فن و روش نویسنده در نوشتن و هنر و روش در گفتار دانسته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ذیل ماده سلب؛ افرام البستانی، ۱۳۸۲، ماده سلب؛ جر، ۱۳۷۳، ماده سلب) و در فارسی اسلوب به معنی طرز، راه، شیوه و طریق آمده است. (معین، ۱۳۶۰، ماده سلب).

در مورد معنی اصطلاحی سبک دکتر الکواز چنین می‌گوید: «اصل واژه style به زبان لاتین باز می‌گردد؛ یعنی چوبی که برای نوشتن بر پارافین به کار می‌رفت. منظور ابزار نوشتن مثل قلم مو یا قلم است. آن‌گاه این کلمه از طریق مجاز به مفهوم‌های دیگری راه یافت که همگی به روش نوشتن مربوط می‌شوند. یعنی ابتدا به روش نوشتن دستی ارتباط یافت و سپس بر بیان ادبی اطلاق گشت». (الکواز، ۱۳۸۶: ۴۶)

اما طبق نظر صلاح فضل در کتاب "علم الاسلوب" کامل‌ترین تعریف اصطلاحی برای سبک آن است که ابن خلدون در کتاب "المقدمه" بدان اشاره کرده است: سبک همان روشی است که ترکیب‌ها بر محور آن در هم تنیده می‌شوند و به نظم در می‌آیند و یا قالبی که ترکیب در آن ریخته می‌شود. در حقیقت سبک بر آمده از ترکیبات ذهنی نظام‌یافته‌ای است که فرد، ترکیبات خاصی را بر آن‌ها منطبق می‌سازد، شکلی که ذهن آن را از ترکیبات کلی ذهنی انتزاع و در خیال‌بافت و قالب آن را چینش می‌کند. سبک از طریق دریافت معنای کامل ویژگی‌های ترکیب که وظیفه علم بلاغت و بیان است برای سخن حاصل نمی‌شود و یا از طریق وزن که وظیفه‌ی علم عروض است بلکه سبک شکل ذهنی و کلی ترکیبات نظام یافته است که از طریق هماهنگی و دربرداشتن ترکیبات خاص برای کلام به وجود می‌آید. شکلی که ذهن آن را از ترکیبات برجسته و آشکار انتزاع می‌کند و در خیال همانند قالب و روش آن را از سر می‌گیرد. سپس ترکیبات صحیح از نظر اعراب و بیان نزد عرب را برمی‌گزیند و آن‌ها را در هم می‌تند. همان‌گونه که ساختار در قالب و بافت در روش عمل می‌کند تا اینکه قالب با حصول ترکیباتی وفادار به مفهوم و مقصود کلام گسترش می‌یابد. (فضل، ۱۹۹۸: ۹۴؛ لطفی، ۱۳۹۱: ۶)؛ بنابراین برای هر نوعی از کلام سبک و شیوه‌ای است که مختص به آن هست.

دهخدا در لغت‌نامه واژه سبک را این‌گونه تعریف نموده است: «ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر «استیل» (style) اروپاییان نهاده‌اند. سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک اثر ادبی وجهه‌ی خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القاء می‌کند و آن نیز به نوبه خود وابسته به طرز تفکر نویسنده درباره حقیقت می‌باشد. بنابراین سبک به معنی عام خود عبارت است از تحقیق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصائص اصلی محول خویش (اثر منظوم یا منثور) را مشخص می‌سازد. به تعبیر دیگر طرز بیان اندیشه‌ی هنرآفرین که هم با چگونگی تفکر و هم با چگونگی تصویرسازی‌های او نسبت مستقیم دارد سبک نام گرفته است. هر هنر آفرینی برای بیان اندیشه‌های خود به مدد اسلوب‌های هنری، مواد هنری را به کار می‌گیرد و تصاویر یا صورت‌بندی‌های حسی خاص به وجود می‌آورد چون آزمایش‌ها و اندیشه‌های هیچ‌کس عین آزمایش‌ها و اندیشه‌های دیگری نیست». (دهخدا، ۱۳۷۷: ماده سبک)

اما نظر دکتر شمیسا این است که: «سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. به طور کلی می‌توان گفت که این وحدت از یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی است و عوامل و مختصات تکرارشونده و جلب نظر‌کننده ناشی می‌شود؛ عواملی که نسبتاً آشکار اما غالباً پنهان و پوشیده‌اند». (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۶). مهم‌ترین ویژگی‌های روش سبک‌شناسی کشف روابط زبانی در متن و کشف پدیده‌های خاصی است که ویژگی‌های بارز متن را به وجود می‌آورد و سعی در شناخت روابط این ویژگی‌ها و شخصیت نویسنده که مواد زبانی خود را با توجه به احساساتش به وجود آورده است. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۶-۱۸)

حق آن است که سبک مثل خوشبختی است که هیچ‌کس تقریباً اشتباه نمی‌کند وقتی آن را در انسان خوشبخت بیابد؛ و هیچ‌کس در توصیف و تشخیص ویژگی‌های آن درنگ نمی‌کند اما بسیار کم اتفاق می‌افتد که دو نفر در تعریف طبیعت و مؤلفه‌های آن اتفاق نظر داشته باشند. (همان: ۶۷)

همان طور که از نظر گذشت، سبک روش یا طرز خاصی از بیان افکار است که گوینده یا نویسنده در گفتارش به کار می‌برد. گوینده یا نویسنده با استفاده از انتخاب کلمات و الفاظ و تعابیر خاصی به انتقال اندیشه‌های خود می‌پردازد. مطلب او یک روح و ویژگی خاص دارد که آن را از بقیه مطالب یا از سخنان گوینده‌ی دیگری متمایز می‌نماید که همان سبک نام دارد.

۱-۲- سبک‌شناسی

سبک‌شناسی یکی از علومی است که به بررسی ویژگی‌های موجود در یک متن می‌پردازد که در سال‌های اخیر مورد استقبال دانشمندان و ادبا قرار گرفته است.

سرآغاز بررسی سبک به روزگار ارسطو بازمی‌گردد و به بلاغت مرتبط بود نه فن شعر؛ علت آن پیوند این بود که سبک پاره‌ای از هنر اقناع بود که در موضوع خطابه تدریس می‌شد. (الکواز، ۱۳۸۶: ۴۸) اما پیدایش سبک‌شناسی با پژوهش جدید در باب زبان و پیدایش زبان‌شناسی جدید توسط «سو سور» همراه بوده است. (همان: ۴۹). سبک‌شناسی عهده‌دار بررسی تمام چیزهایی است که به سبک مربوط می‌شود. به آن «stylistic» اطلاق می‌شود که ویژه‌ی سبک ادبی است و از سال ۱۸۸۲ به معنای بررسی ویژگی‌های سبکی پدید آمد. سبک‌شناسی پل ارتباطی علوم زبانی با دستاوردهای آفرینش هنری گشته است و اساساً به دانش زبانی تعریف می‌شود که به بررسی مبانی واقعی قاعده‌مند نمودن بررسی سبک توجه دارد و از نظر علمی دانشی است که به بررسی ویژگی‌های زبانی می‌پردازد که کلام را از ابزار صرف اطلاع‌رسانی به ابزار تأثیرگذار هنری منتقل می‌نماید. از حیث روش پژوهشی است که خواننده را به درک انتقادی هنری با آگاهی از غایات کارکردی آن ویژگی‌ها محقق می‌نماید توانا می‌سازد. (همان: ۵۴)

امروزه بسیاری از مطالعات و تحقیقات حوزه زبان‌شناسی به سبک‌شناسی اختصاص یافته است. سبک‌شناسی از روش‌هایی است که برای بررسی و تحلیل متون از آن استفاده می‌شود. البته در اینکه سبک‌شناسی علم است یا روش بین محققان اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را همچون زبان‌شناسی، علمی مستقل یا حداقل علمی مندرج در زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی می‌دانند. (مصلوح، ۱۹۸۴: ۲۱۷) ولی برخی علم بودن آن را رد کرده‌اند. (أبودیب، ۱۹۸۴: ۲۱۹) به هر حال سبک‌شناسی در ابتدای

شکل‌گیری ارتباطی تنگاتنگ با زبان‌شناسی داشته و بعد از آن ناقدان در بررسی و تحلیل متن از آن بهره جسته‌اند. سبک‌شناسی به عنوان یک علم یا حوزه پژوهشی که به بررسی و شناخت متون از چشم‌انداز زبانی می‌پردازد، زبان‌شناسی و نقد ادبی را به هم پیوند می‌زند. سبک‌شناسی، اصولی در اختیار محقق می‌گذارد که در پرتو آن می‌توان انتخاب‌های خاص زبان در قالب توانش زبانی را تبیین کرد و اینکه زبان چگونه به کار گرفته شده و از کجا بفهمیم که چه معنی‌هایی دارد، چه معنی‌هایی به آن داده شده و چه معنی‌هایی می‌تواند داشته باشد. (عبادیان، ۱۳۷۲: ۴۴)

سبک در واقع روش پدیدآورنده یا صاحب کلام در ساخت مواد زبانی است. سبک‌شناسی (Stylistics) می‌کوشد تا متن را از لحاظ زیبایی‌شناسی بدون توجه به تاریخ و جامعه و زندگی پدیدآورنده که اموری خارج از متن‌اند بررسی و تحلیل کند؛ همان‌طور که جورج مانون در تعریف سبک‌شناسی می‌گوید: سبک‌شناسی بررسی ویژگی‌های زبانی است که به واسطه آن متن از سیاق اخباری خود دور می‌شود و وظیفه اثرگذاری همراه با زیبایی ادبی را به عهده می‌گیرد. (همان)

هدف سبک پژوهی آن است که تناسب بارز عناصر سبکی زبان را در متن سخن دریابد و بازنماید. مهم درک وحدت و نظام عناصر سبکی در متن سخن است. آن نحوه‌ی بارزی که عناصر سبکی به موجب آن در متن سخن تنظیم یافته‌اند، چیزی است که سبک سخن را می‌سازد. به سخن دیگر سبک پژوهی در صدد بی‌بردن به ویژگی‌هایی منحصر به فرد در بسامد، توزیع و پیوند عناصر سبکی است تا ویژگی کارکردی که از آن‌ها منتج می‌شود تبیین گردد. (همان)

در نقد عربی سبک‌شناسی را در قرن گذشته و در دهه هفتم عقیف دمشقیه و عبدالسلام المسدی و محمد الهادی الطرابلسی آغاز کردند. (حسنعلیان، ۱۳۸۹: ۳)

سبک‌شناس می‌کوشد تا با بررسی عناصر موجود در متن، به ارتباط بین الفاظ و معانی و همچنین انسجام کلی متن پی ببرد تا از این رهگذر شخصیت نویسنده را شناسایی کرده و بتواند به درکی انتقادی دست پیدا کند و همچنین با شناسایی عناصر سبکی ویژگی کارکردی آن‌ها را تبیین نماید.

۱-۳- روش سخنوری امام علی (ع)

جورج جرداق نویسنده مسیحی که از ادبای لبنان می‌باشد پس از بررسی‌های خود بر روی نهج البلاغه، در کتاب «بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه» در مورد روش سخنوری امام (ع) این‌گونه می‌گوید: «از نظر اسلوب، امام علی (ع) دارای بیان سحرآمیزی بود. به حقیقت باید گفت: شرایط سخنوری - که توافق سخن با اوضاع و احوال است - برای هیچ ادیبی مانند امام علی (ع) جمع نشده است. زیرا سخنان وی پس از قرآن، بزرگترین نمونه‌ی بلاغت است، سخنانی است کوتاه و آشکار اما نیرومند و جوشان... در اثر هم آهنگی الفاظ و معانی و اغراض، بصورت کاملاً رسائی در آمده است. بنابراین روش امام علی (ع) در سخنوری بسان عقل و اندیشه‌اش، روشن و مانند وجدانش صحیح و درست است، پس شگفت نیست سخنان وی شاهراه سخنوری تلقی شود». (جرداق، ۱۳۷۳: ۵۶-۵۷)

سپس ادامه می‌دهد: «اگر می‌گوئیم اسلوب امام علی (ع) دارای صراحت معنی و بیان رسا و سلامت ذوق است، منظور این است که خواننده‌ی گرامی را به «زیبایی‌های نهج البلاغه» ارجاع دهیم تا ببیند سخنان امام علی «ع» چگونه از چشمه‌های عمیق و ریشه‌داری سرازیر می‌شود و با چه لباس هنری و زیبایی دلپسندی به جنبش در آمده و جاری می‌گردد». (جرداق، ۱۳۷۳: ۵۸)

جرداق آن‌چنان محو سخنان امام (ع) قرار می‌گیرد که می‌گوید: «گفتار ساده و بیان نیرومند امام علی (ع) که از عناصر طبع و صناعت تشکیل می‌شد، از ارکان شخصیت او به شمار می‌رفت. گذشته از این، خداوند وسایل کامل دیگری که از شرایط سخنوری محسوب می‌شود برای او آماده کرده بود. زیرا خداوند به سبب فطرت سالم، سلیقه رفیع و بلاغت جذاب به او امتیاز خاصی داده بود، همان طور که به واسطه‌ای ذخایر علمی که او را از همگنانش جدا می‌ساخت و همچنین به خاطر برهان استوار و نیروی اقناع و نبوغ بی‌مانندش در بدیهه گوئی، او را بر دیگران برتری داده بود. علاوه بر این، من راستی نامحدود او را که در هر خطبه مؤثری ضروری می‌باشد، به این‌ها اضافه می‌کنم. گذشته از اینها آن اعتقاد